Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2025, Volume 23, Issue 3

Analyzing the Risk of Divorce among Divorced Women with Children Using Time-Dependent Cox Model

Mahsa Saadati[1], **Arezoo Bagheri**[2]

1. Associate professor of biostatistics, Statistical methods and demographic modeling department, National Institute for Population Research, Tehran, Iran.

2. (Corresponding author) * Associate professor of applied statistics, Statistical methods and demographic modeling department, National Institute for Population Research, Tehran, Iran.

Abstract

Aim and Background: Divorce is one of the harms that has various personal, psychological and social dimensions and severely affects children. Therefore, studies in this field are always of interest to researchers and policymakers in the field of family. The aim of the present study is to investigate the variables affecting the risk of divorce among divorced women with children.

Methods and Materials: In this study, 756 divorced women with children were selected, based on the first wave of the National Civil Registration Organization's divorce survey project in 2017-2018. To study the effect of selected covariates on the divorce risk of these women, Proportional Hazard and time-dependent variable Cox models were fitted to data and analyzed using Spss22.

Findings: The median of first marriages survival for divorced women with children was estimated as 175 months (±7.36 months), the highest percentage of divorced women had only one child (57.7%), and the mean age of their first child was 13.1 years. The results of fitting the time-dependent Cox model to the data showed that changes in the human development index, number of siblings, years of education, marriage age, years of father's education, father's living status, spouse's marriage age, spouse's mother years of education, and the first child age had a significant effect on divorce risk for these women; the women's first child age had the most effect on these women's risk of divorce (HR= 1.576).

Conclusions: By increasing the human development index, women and their spouse marriage age, their father's years of education, their spouse mother's years of education, and the first child age, the divorce risk of these women increases, on the other hand, by increasing women's years of education and the number of siblings, their divorce risk decreases. Also, the risk of divorce for women whose father is alive is higher than those whose father was death.

Keywords: Divorce, Child, women, Time-Dependent Cox model.

Citation: Saadati M, Bagheri A. **Analyzing the Risk of Divorce among Divorced Women with Children Using Time-Dependent Cox Model**. Res Behav Sci 2025; 23(3): 533-544.

* **Arezoo Bagheri,**
Email: arezoo.bagheri@nipr.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

تحلیل مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند با استفاده از مدل کاکس وابسته به زمان

مهسا سعادتی[1]، آرزو باقری[2]

۱- دانشیار آمار زیستی، گروه روش‌های آماری و مدلسازی جمعیت، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ، تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* دانشیار آمار کاربردی، گروه روش‌های آماری و مدلسازی جمعیت، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: طلاق یکی از آسیب‌هایی است که ابعاد فردی، روانی و اجتماعی مختلفی دارد و فرزندان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، مطالعات در این زمینه همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاستگذاران در حوزه خانواده قرار دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی متغیرهای مؤثر بر مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، از اطلاعات ۷۵۶ زن مطلقه دارای فرزند استفاده شد که داده‌های آن در موج اول طرح پیمایش طلاق سازمان ثبت احوال کشور در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷ جمع‌آوری گردید. مدل‌های مخاطرات متناسب و وابسته به زمان کاکس به منظور مطالعه تأثیر متغیرهای پیش‌بین منتخب بر مخاطره طلاق این زنان بر روی داده‌ها و با استفاده از نرم‌افزار Spss22 برازش و تحلیل شدند.

یافته‌ها: اکثر زنان مطلقه، تک فرزند (۵۷/۷ درصد)، میانگین سن اولین فرزند آنان ۱۳/۱ سال و میانه بقای ازدواج آنها، ۱۷۵ (±۷/۳۶) ماه بود. نتایج برازش مدل کاکس وابسته به زمان روی داده‌ها نشان داد که متغیرهای شاخص توسعه انسانی، تعداد خواهر و برادر، تعداد سال‌های تحصیل، سن ازدواج، تعداد سال‌های تحصیل و در قید حیات بودن پدر، سن ازدواج همسر، تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر و سن فرزند اول روی مخاطره طلاق زنان دارای فرزند تأثیر معنی‌دار داشتند و متغیر سن فرزند اول بیشترین اثر (HR=۱/۵۷۶) را در افزایش طلاق داشت.

نتیجه‌گیری: با افزایش شاخص توسعه انسانی، سن ازدواج زن و همسر، تعداد سال‌های تحصیل پدر، تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر و سن فرزند اول مخاطره طلاق زنان افزایش و از سوی دیگر با افزایش تعداد سال‌های تحصیل و تعداد خواهر و برادر آنان این مخاطره کاهش یافت. همچنین، زنانی که پدر آنها در قید حیات بود، مخاطره طلاق بیشتری نسبت به زنانی که پدر آنها فوت شده بود، داشتند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، فرزند، زنان، مدل کاکس وابسته به زمان.

ارجاع: سعادتی مهسا، باقری آرزو. **تحلیل مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند با استفاده از مدل کاکس وابسته به زمان**. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۴؛ ۲۳(۳): ۵۳۳-۶۰۰.

*- **آرزو باقری،**

رایانامه: arezoo.bagheri@nipr.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

مقدمه

مطالعه دوام ازدواج، طلاق و عوامل مؤثر بر آنها با توجه به پیامدهای مختلف روانی، اجتماعی و اقتصادی همواره از اهمیت برخوردار بوده است. طلاق پدیده‌ای مؤثر روی تمام ابعاد جمعیتی از لحاظ کمیت و کیفیت است؛ زیرا منجر به گسست خانواده به عنوان تنها واحد مشروع برای فرزندآوری می‌شود و از سوی دیگر مشکلات تربیتی بسیاری برای فرزندان محروم از نعمت خانواده ایجاد می‌نماید. برای اکثر افراد، طلاق و پیامدهای آن، با تعارض، استرس و احساس درماندگی و تنهایی همراه است و منجر به تغییراتی در رفتار، وضعیت مالی و سبک زندگی می‌شود (۱). از بعد روانی، طلاق نه تنها بر تعادل روانی فرد و فرزندان او، بلکه بر روان بستگان، دوستان و حتی سایر اعضای جامعه اثر می‌گذارد.

در سال‌های اخیر آمار طلاق در کشور افزایش یافته است؛ براساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۳، ۱۹۴۰۷۸ طلاق رخ داده، میانگین سن در زمان اولین طلاق برای مردان و زنان به ترتیب برابر ۳۹ و ۳۴/۳ سال بوده و همچنین ۳۳ درصد طلاق‌ها در ۵ سال اول ازدواج اتفاق افتاده است (۲،۳). یافته‌های مطالعه کارگر و همکاران (۱۴۰۳) که بر روی هم‌آغازان[1] ازدواج سال ۱۳۹۲ طی دوره‌ای ۱۰ ساله با بررسی بیش از ۷۷۰۰۰۰ ازدواج انجام گرفت، نشان داد که ۱۵/۱ درصد از این ازدواج‌ها تا دی ماه سال ۱۴۰۱ بر اثر طلاق خاتمه یافته‌اند و میانگین طول زندگی مشترک در این گروه ازدواجی برابر ۳ سال و ۷ ماه بود. ۳۲/۴ درصد از طلاق‌ها در گروه سنی ازدواج ۱۹–۱۵ رخ داده و خطر رخداد طلاق در فاصله یک و دوسال پس از ازدواج برای زنان ۱۵ تا ۲۴ سال برابر ۲۰/۱ درصد بدست آمد (۴).

بر این اساس مسئله طلاق در ۱۰ سال اخیر، به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های پیشروی پژوهشگران و سیاستمداران کشور در حوزه خانواده تبدیل شده است. برای جلوگیری از تأثیرات منفی طلاق، شناخت عوامل مؤثر بر آن به منظور ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از آن لازم و ضروری می‌باشد؛ بدین منظور در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری در این حوزه انجام گرفته است (۵–۱۲)؛ بر اساس این مطالعات می‌توان عوامل مؤثر بر طلاق را در چندین طبقه شامل عوامل جمعیت‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، خانوادگی، زیستی و روانی دسته‌بندی کرد؛ بیکاری مرد، عدم تفاهم اخلاقی، ناباروری، تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی، دخالت اطرافیان، بیماری‌های روانی، اعتیاد به مواد و الکل، مشکلات مالی و درآمد ناکافی، ازدواج تحمیلی و اجباری، عدم رضایت جنسی، خشونت خانگی، بی‌علاقگی به همسر، خیانت به همسر، ازدواج مجدد و بیماری‌های جسمی از جمله مهمترین عوامل طلاق طی ۱۰ سال گذشته در ایران بوده‌اند (۱۳).

اگر چه زنان و مردان هر دو تحت تأثیر عواقب مرتبط با طلاق قرار می‌گیرند، اما اغلب زنان بیش از مردان در این زمینه آسیب‌پذیر هستند. بسیاری از زنان مطلقه در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبرو هستند که تجربه حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد و شانس دریافت حمایت‌های اجتماعی را برای این زنان کاهش می‌دهد. فقدان پیوندهای اجتماعی و عدم دریافت حمایت مناسب، چه از نوع رسمی و چه از نوع غیر رسمی، می‌تواند مسیری برای تشدید فقر و آسیب‌پذیری آنان باشد. علاوه بر فقر اقتصادی و آسیب‌پذیری اجتماعی، از نظر سلامت روانی نیز این زنان در معرض خطر هستند. براساس نتایج بسیاری از مطالعاتی که در ایران انجام گرفته، احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی در زنانی که طلاق گرفته‌اند و سرپرستی خانواده را نیز بر عهده دارند از متأهلین و کسانی که تنها زندگی می‌کنند بیشتر است.

با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله به مطالعه عوامل مؤثر بر مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند بر اساس متغیرهای منتخب پرداخته شد.

مواد و روش‌ها

موج اول پیمایش ازدواج و طلاق، توسط سازمان ثبت احوال کشور با هدف بررسی روند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمعیت در معرض این دو رویداد در پاییز ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۷ اجرا شد؛ در پیمایش طلاق، در مجموع ۳۹۶۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در مراکز استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (با ضریب اطمینان ۹۹ درصدی) انتخاب و اطلاعات آنها در کلیه استان‌های کشور با استفاده از پرسشنامه ساختاریافته از زوجینی که برای ثبت طلاق به دفترخانه‌های مراکز استان‌ها مراجعه

[1] Cohort

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

نموده بودند، جمع‌آوری شدند. در مطالعه حاضر، از اطلاعات ۷۵۶ پرسشنامه مربوط به زنان مطلقه دارای فرزند استفاده گردید.

با توجه به تعداد زیاد متغیرهای پیش‌بین مؤثر بر مخاطره طلاق زنان، ابتدا با استفاده از قانون افراز رتبه لگاریتمی[1] (*RSF1*) جنگل‌های تصادفی بقا، مهمترین متغیرهای پیش‌بین انتخاب شدند (۱۴ و ۱۵) و سپس با استفاده از مدل مخاطرات متناسب و وابسته به زمان کاکس[2]، تأثیر آنها بر مخاطره طلاق این زنان تحلیل شد.

در بسیاری از مطالعاتی که تحلیل زمان تا رخداد واقعه مورد نظر است، از روش‌های تحلیل بقا استفاده می‌شود. یکی از مهمترین مدل‌ها در تحلیل این نوع داده‌ها، مدل مخاطرات متناسب کاکس (*CPH*) می‌باشد که به دلیل سادگی در تفسیر نتایج و عدم نیاز به تعیین توزیع خاص برای تابع خطر پایه، کاربرد زیادی دارد. با این حال، کارایی نتایج بدست آمده در این مدل، نیازمند برقراری پیش‌فرض متناسب بودن مخاطرات[3] (*PH*) در طول زمان است که در عمل، در بسیاری از مطالعات برقرار نیست. در این شرایط باید از مدل‌های کاکس تعمیم‌یافته[4] شامل مدل‌های کاکس طبقه‌بندی شده[5] و وابسته به زمان[6] استفاده نمود. مدل کاکس طبقه‌بندی شده، اصلاح شده مدل *CPH* است که با طبقه‌بندی متغیر یا متغیرهای پیش‌بینی که پیش‌فرض *PH* برای آنها برقرار نیست امکان کنترل آن متغیر را در مدلسازی فراهم می‌کند. در این مدل، تنها متغیرهای پیش‌بینی که این پیش‌فرض برای آنها برقرار است در مدل وارد می‌شوند و سایر متغیرهایی که مدل براساس آنها طبقه‌بندی شده‌اند در مدل وارد نمی‌شوند. با این حال، از آنجا که در این مدل، اثر متغیر طبقه‌بندی شده برآورد نمی‌شود و این متغیر به عنوان متغیر مزاحم[7] که اثر آن مورد توجه نیست، در نظر گرفته می‌شود، در عمل کارایی لازم را ندارد. در عمل پیشنهاد می‌شود که از مدل کاکس طبقه‌بندی شده در مطالعاتی که نمونه‌ها در آن خوشه‌بندی یا چندسطحی هستند (مانند کودکان در مدارس و بیماران در یک بیمارستان)، استفاده شود (۱۶). در این شرایط پیشنهاد می‌شود از مدل کاکس وابسته به زمان استفاده گردد؛ در این مدل، متغیرهایی که فرض *PH* برای آنها برقرار نیست، به صورت حاصلضرب در توابعی از زمان وارد مدل می‌شوند. چنانچه تابع زمان برای متغیر وابسته به زمان به درستی تعیین شود، روش اثر متقابل با زمان، مدل کاراتری را نسبت به مدل کاکس طبقه‌بندی شده محاسبه می‌کند. در این مقاله، به منظور مقایسه و تفسیر دقیق داده‌ها، هر دو مدل کاکس و کاکس وابسته به زمان بر روی متغیرهای پیش‌بین برازش و نتایج با یکدیگر مقایسه شدند.

یافته‌ها

نتایج نشان داد که برآورد میانه بقای ازدواج اول زنان مطلقه دارای فرزند ۱۷۵ ماه (۷/۳۶ $\pm$ ماه) می‌باشد؛ بدین معنی که بقای ازدواج اول ۵۰ درصد این زنان برابر با ۱۴/۵۸ سال است. نمودار (۱) تابع بقای ازدواج اول این زنان را نشان می‌دهد که براساس آن تقریباً ۸۰ درصد طلاق‌ها تا ۲۷۱امین ماه بعد از ازدواج رخ داده است.

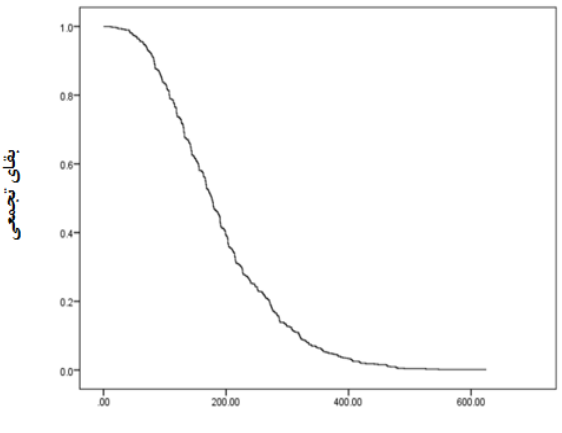

نمودار ۱- تابع بقای ازدواج اول زنان مطلقه دارای فرزند

در این مطالعه، ابتدا با استفاده از جنگل‌های تصادفی بقا **متغیرهای کلان استانی** (شامل میزان طلاق متأهلین و شاخص توسعه انسانی (۱۷))، **متغیرهای مربوط به زنان و همسران آنان** (شامل تعداد سال‌های تحصیل، تعداد خواهر و برادر و سن ازدواج)، **متغیرهای مربوط به خانواده‌های زنان و همسران آنان** (شامل تعداد سال‌های تحصیل پدر و مادر)،

[1] Random Survival Forest with Log-Rank Split Rule
[2] Time Dependent Cox model
[3] Proportional Hazard
[4] Generalized Cox Model
[5] Stratified Cox Model
[6] Time Dependent Cox Model
[7] Nuisance

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]
[DOI: 10.48305/.23.3.533]

متغیرهای مربوط به زنان (شامل وضعیت حیات پدر و مادر)، **متغیرهای مربوط به گذران وقت زنان در هفته** (شامل تعداد ساعات گذران وقت فرهنگی، یادگیری، دیدار اقوام و همصحبتی با همسر)، **متغیرهای مربوط به ازدواج** (شامل تعداد سال‌های آشنایی غیر رسمی)، **متغیرهای مربوط به طلاق** (شامل محل سکونت بعد از طلاق و طلاق عاطفی) و **متغیرهای مربوط به فرزند** (شامل تعداد فرزندان، سن فرزند اول، وضعیت حضانت فرزند و تأمین‌کننده هزینه فرزند) به عنوان متغیرهای پیش‌بین منتخب، برای مدلسازی خطر طلاق زنان دارای فرزند استخراج شدند (۱۵). در ادامه به صورت خلاصه نتایج حاصل از آمارهای توصیفی این متغیرها ارائه می‌شود.

متغیرهای کلان استانی: به ترتیب ۷۲ و ۶۷/۶ درصد زنان مطلقه در استان‌ها با میزان طلاق متأهلین بالا (۷–۹ درصد) و با شاخص توسعه انسانی نیمه‌برخوردار سکونت داشتند.

متغیرهای مربوط به زنان و همسران آنان: میانگین سن ازدواج زنان و همسران آنان به ترتیب برابر ۲۰/۰۷ و ۲۴/۵۲ سال بود. سن ازدواج اکثر زنان به دو گروه سنی کمتر از ۲۰ سال (۵۹/۵ درصد) و ۲۰ –۳۰ سال (۳۵/۷ درصد) اختصاص داشت و اغلب همسران آنها در سن ۲۰ –۳۰ سالگی (۷۵/۵ درصد) ازدواج کرده بودند. اکثر زنان (۴۵/۵ درصد) و همسران آنان (۴۰/۷ درصد)، دارای سطح تحصیلی دبیرستان و دیپلم و تنها ۱/۹ درصد زنان و ۳/۷ درصد همسران آنان بیسواد بودند. اغلب زنان و همسران آنها ۲ یا ۳ خواهر و برادر و به ترتیب ۲۹/۹ و ۳۳/۹ درصد آنها ۶ خواهر و برادر و بیشتر داشتند.

متغیرهای مربوط به خانواده‌های زنان و همسران آنان: اکثر والدین زنان مطلقه و همسران آنان بیسواد (پدر و مادر زنان، به ترتیب ۲۹/۴ و ۳۷/۷ درصد و پدر و مادر همسران، به ترتیب ۴۳/۹ و ۵۲/۵ درصد) بودند.

متغیرهای مربوط به زنان: به ترتیب بیش از ۶۰ و ۸۰ درصد پدران و مادران زنان در قید حیات بودند.

متغیرهای مربوط به گذران وقت زنان: میانگین تعداد ساعات گذران وقت فرهنگی زنان در هفته برابر با ۲۴/۱۱ ساعت بود؛ ۳/۶ درصد آنان در هفته اصلاً گذران وقت فرهنگی نداشتند و ۵۱/۳ درصد زنان ۱۵ ساعت و بیشتر در هفته را به انجام امور فرهنگی اختصاص می‌دادند. زنان به طور متوسط ۳/۶۲ ساعت در هفته را به دیدار اقوام خود می‌رفتند و ۲۲/۹ درصد آنان در هفته اصلاً به دیدار اقوام خود نمی‌رفتند. متوسط تعداد ساعات گذران وقت یادگیری زنان برابر با ۰/۹۸ ساعت در هفته بود و ۹۰/۶ درصد این زنان در هفته ساعتی را به یادگیری و شرکت در کلاس‌های آموزشی اختصاص نمی‌دادند. به طور متوسط این زنان ۱/۷۷ ساعت در هفته با همسر خود صحبت می‌کردند و ۲۶/۱ درصد آنان در هفته اصلاً با همسر خود همصحبت نمی شدند. بیش از نیمی از زنان تا ۵ ساعت در هفته با همسر خود صحبت می‌کردند (۶۴/۹ درصد).

متغیرهای مربوط به ازدواج زنان: ۸۱ درصد زنان، قبل از ازدواج با همسر خود زمان آشنایی غیر رسمی نداشتند و ۱۱/۹ درصد آنان بیشتر از یک سال، آشنایی غیر رسمی داشتند. در مجموع، ۱۹ درصد زنان یک سال و بیشتر قبل از ازدواج، آشنایی غیر رسمی داشتند.

متغیرهای مربوط به طلاق زنان: اکثر زنان بعد از طلاق به منزل پدری خود مراجعت می‌کردند (۴۶/۴ درصد)، ۳۱/۹ درصد آنان در منزل استیجاری و ۱۴/۲ درصد آنان در منزل ملکی ساکن می‌شدند. طول مدت طلاق عاطفی ۶۲/۲ درصد زنان یک سال و این مدت، برای ۴/۹ درصد آنان ۶ سال و بیشتر بود.

متغیرهای مربوط به فرزند: اکثر زنان، یک فرزند (۵۷/۷ درصد) و تنها ۱۱/۸ درصد آنان ۳ فرزند و بیشتر داشتند؛ تعداد زنان با فرزند اول پسر (۵۰/۸ درصد) بیشتر، میانگین سن اولین فرزند آنان ۱۳/۱ سال و سن اولین فرزند ۵۵/۰ درصد آنان ۱۰ سال و بیشتر بود. ۵۳/۲ درصد زنان و ۳۳/۱ درصد همسران آنان، حضانت فرزندان خود را پس از طلاق بر عهده داشتند. ۲۹/۵ درصد زنان و ۵۲/۹ درصد همسران آنان، تأمین‌کننده هزینه فرزندان خود بودند.

به منظور تحلیل تأثیر متغیرهای پیش‌بین منتخب روی مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند، ابتدا مدل *CPH* بر روی داده‌ها برازش یافت که نتایج آن به همراه آزمون فرض برقراری پیش‌فرض PH در جدول (۱) ارائه شده است. براساس ستون آزمون فرض مخاطرات متناسب در این جدول، برای متغیرهای شاخص توسعه انسانی (p=۰/۰۳۶–مقدار)، تعداد خواهر و برادر (p=۰/۰۰۲–مقدار)، تعداد سال‌های تحصیل (p<۰/۰۰۱–مقدار)، سن ازدواج (p<۰/۰۰۱–مقدار)، تعداد سال‌های آشنایی غیر رسمی (p=۰/۰۲۸–مقدار)، وضعیت مسکن بعد از طلاق (p<۰/۰۵–مقدار)، تعداد ساعات دیدار اقوام (p=۰/۰۱۰–مقدار)، سن فرزند اول (p<۰/۰۰۱–مقدار) و حضانت فرزند (زن و مرد) (p<۰/۰۰۱–مقدار) این آزمون معنی‌دار است و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/23.3.533]

در نتیجه فرض PH برای آنها برقرار نیست. در این شرایط مدل *CPH* می‌تواند نتایج گمراه‌کننده‌ای به دنبال داشته باشد.

جدول ۱. نتایج برازش مدل مخاطرات متناسب کاکس روی مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند براساس متغیرهای پیش‌بین منتخب

متغیر			مدل مخاطرات متناسب کاکس				آزمون فرض مخاطرات متناسب	
			ضریب (β)	مخاطره نسبی (HR)	انحراف استاندارد	*P* - مقدار	کای اسکوئر	*P* - مقدار
متغیرهای کلان	شاخص توسعه انسانی		۰/۰۳۱	۱/۰۳۱	۰/۰۰۹	**۰/۰۰۰	۴/۴۰۸	*۰/۰۳۶
	میزان طلاق متأهلین		۰/۰۵۹	۱/۰۶۱	۰/۰۳۴	۰/۰۸۲	۱/۵۱۰	۰/۲۱۹
متغیرهای مربوط به زنان	تعداد خواهر و برادر		-۰/۰۰۷	۰/۹۹۳	۰/۰۲۰	۰/۷۰۹	۹/۳۰۲	**۰/۰۰۲
	تعداد سال‌های تحصیل		-۰/۰۵۵	۰/۹۴۶	۰/۰۱۵	**۰/۰۰۰	۲۱/۷۵۳	**۰/۰۰۰
	سن ازدواج		۰/۰۸۵	۱,۰۸۹	۰/۰۱۰	**۰/۰۰۰	۲۱/۵۲۰	**۰/۰۰۰
متغیرهای مربوط به خانواده زن	تعداد سال‌های تحصیل پدر		۰/۰۳۳	۱/۰۳۳	۰/۰۱۳	*۰/۰۱۳	۲/۲۲۹	۰/۱۳۵
	تعداد سال‌های تحصیل مادر		-۰/۰۲۰	۰/۹۸۰	۰/۰۱۴	۰/۱۵۶	۱/۷۵۰	۰/۱۸۶
	وضعیت زنده بودن پدر	زنده	۰/۲۱۹	۱/۲۴۴	۰/۰۹۴	*۰/۰۲۱	۱/۱۶۳	۰/۲۸۱
		فوت شده (مرجع)	-	-	-	-	-	-
	وضعیت زنده بودن مادر	زنده	۰/۲۰۷	۱/۲۳۰	۰/۱۱۴	۰/۰۷۰	۱/۳۱۶	۰/۲۵۱
		فوت شده (مرجع)	-	-	-	-	-	-
متغیرهای مربوط به همسر	تعداد خواهر و برادر همسر		-۰/۰۲۷	۰/۹۷۴	۰/۰۱۸	۰/۱۲۹	۳/۲۹۴	۰/۰۷۰
	سن ازدواج همسر		۰/۰۳۸	۱/۰۳۹	۰/۰۱۰	**۰/۰۰۰	۲/۹۲۷	۰/۰۸۷
	تعداد سال‌های تحصیل همسر		-۰/۰۱۲	۰/۹۸۸	۰/۰۱۳	۰/۳۷۳	۲/۳۱۶	۰/۱۲۸
متغیرهای مربوط به خانواده همسر	تعداد سال‌های تحصیل پدر همسر		۰/۰۱۳	۱/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۳۸۰	۰/۲۳۱	۰/۶۳۱
	تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر		-۰/۰۳۰	۰/۹۷۰	۰/۰۱۵	*۰/۰۴۰	۰/۴۴۷	۰/۵۰۴
متغیرهای مربوط به ازدواج	تعداد سال‌های آشنایی غیررسمی		۰/۰۲۶	۱/۰۲۶	۰/۰۳۳	۰/۴۴۱	۴/۸۱۴	*۰/۰۲۸
متغیرهای مربوط به طلاق	طلاق عاطفی		۰/۰۱۷	۱/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۴۵۵	۱/۰۹۶	۰/۲۹۵
	محل سکونت بعد از طلاق	ملکی	-۰/۰۳۱	۰/۹۶۹	۰/۱۸۷	۰/۸۶۸	۴/۴۱۰	*۰/۰۳۶
		استیجاری	۰/۲۱۹	۱/۲۴۵	۰/۱۷۰	۰/۱۹۶	۴/۳۸۳	*۰/۰۳۶
		پدری	۰/۴۷۰	۱/۶۰۰	۰/۱۷۰	*۰/۰۰۶	۷/۴۱۹	**۰/۰۰۶
		سایر (مرجع)	-	-	-	-	-	-
	تعداد ساعات دیدار اقوام		-۰/۰۱۶	۰/۹۸۴	۰/۰۰۸	*۰/۰۴۴	۶/۶۰۱	*.۰/۰۱۰
	تعداد ساعات گذران وقت یادگیری		۰/۰۲۸	۱/۰۲۹	۰/۰۳۳	۰/۳۹۳	۰/۶۵۲	۰/۴۱۹
	تعداد ساعات همصحبتی با همسر		-۰/۰۰۱	۰/۹۹۹	۰/۰۱۱	۰/۹۳۹	۰/۳۱۴	۰/۵۷۵
	تعداد ساعات گذران وقت فرهنگی		۰/۰۰۴	۱/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۵۵	۰/۰۳۷	۰/۸۴۸
متغیرهای مربوط به فرزند	تعداد فرزند		-۰/۰۹۸	۰/۹۰۷	۰/۰۵۷	۰/۰۸۶	۰/۱۶۴	۰/۶۸۶
	سن فرزند اول		۰/۲۹۰	۱/۳۳۶	۰/۰۱۰	**۰/۰۰۰	۶۸/۶۵۸	**۰/۰۰۰
	وضعیت حضانت فرزند	زن	-۰/۰۸۳	۰/۹۲۰	۰/۱۶۰	۰/۶۰۳	۱۳/۷۱۹	**۰/۰۰۰
		مرد	-۰/۰۱۸	۰/۹۸۲	۰/۱۷۲	۰/۹۱۷	۱۴/۶۶۴	**۰/۰۰۰
		سایرین (مرجع)	-	-	-	-	-	-
	تأمین کننده هزینه فرزند در حضانت	زن	۰/.۱۸۳	۱/۲۰۱	۰/۱۴۰	۰/۱۹۰	۱/۳۵۴	۰/۲۴۵
		مرد	۰/۲۵۷	۱/۲۹۳	۰/۱۳۶	۰/۰۵۸	۱/۲۳۸	۰/۲۶۶
		سایرین (مرجع)	-	-	-	-	-	-

*معنی‌دار در سطح ۰/۰۵، **معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

بدین منظور در مرحله بعد مدل کاکس وابسته به زمان روی مخاطره رخداد طلاق زنان مطلقه دارای فرزند براساس کلیه متغیرهای پیش‌بین منتخب و همچنین حاصلضرب متغیرهایی که فرض PH برای آنها برقرار نبود با زمان، برازش یافت که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

جدول ۲. نتایج برازش مدل کاکس وابسته به زمان روی مخاطره رخداد طلاق زنان مطلقه دارای فرزند براساس متغیرهای پیش‌بین منتخب

متغیرها			برآورد ضریب (β)	نسبت خطر (Exp (β))	انحراف استاندارد	P - مقدار
متغیرهای کلان	شاخص توسعه انسانی		۰/۱۲۱	۱/۱۲۹	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰**
	میزان طلاق متأهلین		۰/۰۶۸	۱/۰۷۰	۰/۰۳۴	۰/۰۵۱
متغیرهای مربوط به زن	تعداد خواهر و برادر		-۰/۱۰۷	۰/۸۹۹	۰/۰۴۵	۰/۰۱۷*
	تعداد سال‌های تحصیل		-۰/۱۸۵	۰/۸۳۱	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰**
	سن ازدواج		۰/۰۶۴	۱/۰۶۶	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰**
متغیرهای مربوط به خانواده زن	تعداد سال‌های تحصیل پدر		۰/۰۳۳	۱/۰۳۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳*
	تعداد سال‌های تحصیل مادر		-۰/۰۱۷	۰/۹۸۴	۰/۰۱۵	۰/۲۴۶
	وضعیت حیات پدر	زنده	۰/۲۶۳	۱/۳۰۰	۰/۰۹۹	۰/۰۰۸**
		فوت‌شده (مرجع)	-	-	-	-
	وضعیت حیات مادر	زنده	۱/۲۵۱	۰/۲۲۴	۰/۱۱۹	۰/۰۶۰
		فوت‌شده (مرجع)	-	-	-	-
متغیرهای مربوط به همسر	تعداد خواهر و برادر همسر		۰/۰۳۱	۰/۹۷۰	۰/۰۱۸	۰/۰۸۷
	تعداد سال‌های تحصیل همسر		۰/۰۵۲	۱/۰۵۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰**
	سن ازدواج همسر		-۰/۰۰۴	۰/۹۹۶	۰/۰۰۲	۰/۰۹۰
متغیرهای مربوط به خانواده همسر	تعداد سال‌های تحصیل پدر همسر		۰/۰۱۵	۱/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۲۷
	تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر		۰/۰۳۵	۱/۰۳۶	۰/۰۱۵	۰/۰۲۲*
متغیرهای مربوط به ازدواج	تعداد سال‌های آشنایی غیررسمی		۰/۰۶۴	۱/۰۶۶	۰/۰۶۸	۰/۳۴۷
متغیرهای مربوط به طلاق	طلاق عاطفی		۰/۰۱۴	۱/۰۱۴	۰/۰۲۲	۰/۵۴۱
	محل سکونت بعد از طلاق	ملکی	-۰/۴۷۸	۰/۶۲۰	۰/۴۸۱	۰/۳۲۰
		استیجاری	-۰/۱۰۶	۰/۸۹۹	۰/۴۱۲	۰/۷۹۶
		پدری	۰/۳۱۵	۱/۳۷۰	۰/۶۱۲	۰/۴۳۴
		سایر (مرجع)	-	-	-	-
	تعداد ساعات دیدار اقوام		۰/۰۱۳	۱/۰۱۳	۰/۰۱۵	۰/۳۸۲
	تعداد ساعات گذران وقت یادگیری		۰/۰۰۳	۱/۰۰۳	۰/۰۳۴	۰/۹۲۸
	تعداد ساعات همصحبتی با همسر		-۰/۰۱۶	۰/۹۸۴	۰/۰۱۲	۰/۱۶۵
	تعداد ساعات گذران وقت فرهنگی		۰/۰۰۳	۱/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۹۰
متغیرهای مربوط به فرزند	تعداد فرزند		-۰/۱۱۷	۰/۸۸۹	۰/۰۶۳	۰/۰۶۲
	سن فرزند اول		۰/۴۳۴	۱/۵۴۳	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰**
	وضعیت حضانت فرزند	زن	-۰/۴۳۴	۰/۶۴۸	۰/۴۴۷	۰/۳۳۲
		مرد	۰/۱۱۱	۱/۱۱۸	۰/۴۶۷	۰/۸۱۱
		سایرین (مرجع)	-	-	-	-
	تأمین‌کننده هزینه فرزند در حضانت	زن	۰/۱۹۴	۱/۲۱۴	۰/۱۴۳	۰/۱۷۶
		مرد	۰/۲۳۷	۱/۲۶۷	۰/۱۴۰	۰/۰۹۱
		سایرین (مرجع)	-	-	-	-
شاخص توسعه انسانی × زمان			۰/۰۱۸	۱/۰۱۸	۰/۰۱۹	۰/۳۵۱
تعداد خواهر و برادر × زمان			-۰/۰۱۱	۰/۹۸۹	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸*
تعداد سال‌های تحصیل × زمان			۰/۰۰۱	۱/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰**
سن ازدواج × زمان			۰/۰۳۱	۱/۰۳۲	۰/۰۰۱	۰/۳۶۷
تعداد سال‌های آشنایی غیررسمی × زمان			۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۱/۰۰۱	۰/۲۱۵
محل سکونت ملکی بعد از طلاق × زمان			۰/۰۰۱	۱/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۵۰۶
محل سکونت استیجاری بعد از طلاق × زمان			۰/۰۱۰	۱/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۶۸۸
محل سکونت پدری بعد از طلاق × زمان			-۰/۰۰۱	۰/۹۹۹	۰/۰۰۲	۰/۷۴۹
تعداد ساعات دیدار اقوام × زمان			۰/۰۰۳	۱/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۳۱۹
سن فرزند اول × زمان			۰/۰۲۱	۱/۰۲۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰**
وضعیت حضانت فرزند (زن) × زمان			۰/۰۰۳	۱/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۹۸
وضعیت حضانت فرزند (مرد) × زمان			۰/۰۲۲	۱/۰۲۲	۰/۰۰۱	۰/۹۷۱

*معنی‌دار در سطح ۰/۰۵، **معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

براساس نتایج، تأثیر متغیرهای شاخص توسعه انسانی (p<۰/۰۰۱–مقدار)، تعداد خواهر و برادر (p=۰/۰۱۷–مقدار)، تعداد سال‌های تحصیل (p<۰/۰۰۱–مقدار)، سن ازدواج (p<۰/۰۰۱–مقدار)، تعداد سال‌های تحصیل پدر (p=۰/۰۱۳–مقدار)، وضعیت حیات پدر (p=۰/۰۰۸–مقدار)، سن ازدواج همسر (p<۰/۰۰۱–مقدار)، تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر (p=۰/۰۲۲–مقدار)، سن فرزند اول (p<۰/۰۰۱–مقدار) و همچنین، حاصلضرب متغیرهای تعداد خواهر و برادر (p=۰/۰۱۸–مقدار)، تعداد سال‌های تحصیل (p<۰/۰۰۱–مقدار) و سن فرزند اول (p<۰/۰۰۱–مقدار) با زمان بر خطر رخداد طلاق این زنان معنی‌دار شدند.

با مقایسه نتایج جداول (۱) و (۲) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اغلب برآوردهای ضرایب مدل *CPH* و کاکس وابسته به زمان برازش یافته روی مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین متغیرهای تعداد ساعات دیدار اقوام و وضعیت سکونت در خانه پدری بعد از طلاق که در مدل *CPH* معنی‌دار هستند، در مدل کاکس وابسته به زمان معنی‌دار نشدند؛ از سوی دیگر تعداد خواهر و برادر در مدل کاکس وابسته به زمان معنی‌دار و در مدل *CPH* معنی‌دار نشد. در نهایت با توجه به عدم برقراری پیش‌فرض *PH* مدل کاکس وابسته به زمان، به عنوان مدل نهایی انتخاب و ضرایب آن به صورت زیر تفسیر می‌گردد؛ لازم به ذکر است، از آنجا که ضرایب مربوط به حاصلضرب زمان با متغیرهای تعداد سال‌های تحصیل، تعداد خواهر و برادر و سن فرزند اول در این مدل معنی‌دار شدند، ضرایب تعدیل‌شده آنها با زمان، به صورت حاصلجمع ضرایب هر متغیر با ضریب متناظر با زمان هر یک محاسبه می‌گردد. به عنوان مثال، ضرایب متغیر تعداد سال‌های تحصیل برابر β=–۰/۱۸۵ و تعداد سال‌های تحصیل × زمان برابر β=۰/۰۰۱، بدست آمدند. در نتیجه ضریب تعدیل‌شده متغیر تعداد سال‌های تحصیل برابر (β^{*}=–۰/۱۸۵+۰/۰۰۱=۰/۱۸۴)، خواهد بود.

بر اساس ستون خطر نسبی (*HR*) در جدول (۲) و مخاطرات نسبی تعدیل شده برای متغیرهای وابسته به زمان؛ خطر نسبی طلاق زنان با افزایش شاخص توسعه انسانی استان ۱/۱۲۹ برابر، سن ازدواج ۱/۰۶۶ برابر، سن ازدواج همسران ۱/۰۵۳ برابر، تعداد سال‌های تحصیل پدر ۱/۰۳۳ برابر، تعداد سال‌های تحصیل مادر همسر ۱/۰۳۶ برابر و سن فرزند اول آنها ۱/۵۷۶ برابر افزایش می‌یابد. از سوی دیگر خطر نسبی طلاق این زنان با افزایش تعداد سال‌های تحصیل ۰/۸۳۲ برابر و تعداد خواهر و برادر آنها ۰/۸۹۹ برابر، کاهش می‌یابد. همچنین، خطر نسبی طلاق زنانی که پدر آنها در قید حیات می‌باشد ۰/۳ برابر زنانی است که پدرشان در قید حیات نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل مؤثر بر مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند با استفاده از مدل کاکس وابسته به زمان بود؛ نتایج نشان داد که متغیرهای شاخص توسعه انسانی، تعداد سال‌های تحصیل، سن ازدواج، تعداد سال‌های تحصیل والدین، تعداد خواهر و برادر، وضعیت حیات پدر و سن فرزند اول بر مخاطره طلاق زنان دارای فرزند تأثیر معنی‌دار داشتند.

در سال‌های اخیر، مطالعات مختلف در کشور نشان داده‌اند که همراه با روند رشد شاخص‌های توسعه در ایران، میزان طلاق نیز افزایش قابل توجهی پیدا کرده است (۵–۸ و ۱۸). آنچه که ارتباط میان توسعه و طلاق را معنی‌دار می‌کند، تأثیرات ثانویه و پیامدهایی است که توسعه به همراه داشته و سبب افزایش طلاق در جامعه می‌گردد. فرایند گذار به سوی توسعه‌یافتگی با دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی (افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، رشد فناوری، رشد وسایل ارتباط جمعی)، موجب تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد می‌شود و این تغییرات به نوبه خود شکل خانواده و ازدواج را دگرگون کرده و سبب پذیرش نسبی طلاق در جامعه و افزایش تاب‌آوری برای مطلقه‌ها می شود. یافته‌های مطالعه حاضر همراستا با مطالعات ذکرشده، نشان داد که افزایش شاخص توسعه انسانی، مخاطره طلاق زنان دارای فرزند را افزایش می‌دهد. گنزالس و ویتانن[9] (۲۰۰۹) نشان دادند که افزایش طلاق معلول تغییرات اجتماعی–اقتصادی ناشی از فرایند توسعه است، بنابراین هر چند تحولات ساختاری با تأثیرگذاری عاملیت انسانی همراهی دارد؛ ولی دگرگونی‌های نهاد خانواده فراتر از تأثیر مزبور بیشتر تحت تأثیر تغییرات اجتماعی رخ داده است (۱۹). وانگ و ژو[10] (۲۰۱۰) نیز ارتباط مثبتی بین افزایش درآمد ناخالص ملی و افزایش نرخ طلاق در چین یافتند (۲۰).

[9] Gonzalez & Viitanen
[10] Wang & Zhou

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]
[DOI: 10.48305/23.3.533]

در ایران، بسیاری از پژوهشگران در مطالعه خود به ارتباط مستقیم میان میزان تحصیلات و طلاق اشاره کرده‌اند (۲۱، ۲۲). دلدار و فلاحی (۱۳۹۵) بیان کردند که افزایش یک درصدی میزان تحصیلات عالی، میزان طلاق را ۰/۱۳ درصد افزایش می‌دهد و چنانچه انتظارات زنان از نقش خود از انتظارات دیگران از نقش آنان متفاوت باشد، آنها با تعارض و ناسازگاری روبه‌رو می‌شوند و احتمال طلاق در کشور افزایش می‌یابد. فوکما و بروئر (۲۰۰۴) دریافتند که سطح بالای آموزش تحصیلی زنان در هلند و نیز مشارکت آنها در نیروی کار به‌طور معناداری احتمال طلاق زنان را افزایش می‌دهد (۲۳). همچنین، مطالعه هیویت (۲۰۰۸) در استرالیا نشان داد که احتمال طلاق با سطوح بالاتر تحصیلات در زنان رابطه مستقیم دارد (۲۴). از سوی دیگر، سطح تحصیلات را نمی‌توان به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل دوام و پایداری ازدواج دانست؛ زیرا زوج‌هایی که از سطح تحصیلی بالاتری برخوردارند، این امکان را خواهند داشت که به وسیله تحصیلات خود از درآمد بیشتر برخوردار بوده و در نتیجه تمایلی به طلاق نداشته باشند. عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که یک رابطه U شکل میان تحصیلات با احتمال طلاق وجود دارد (۲۵). درگاهی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند چنانچه رشد تحصیلات و گسترش آموزش عالی زنان همراه با ایجاد فرصت‌های شغلی باشد، افزایش منابع درآمدی خانواده منجر به ارزش انتظاری بالاتر زندگی زناشویی شده و به استحکام خانواده کمک می‌کند (۲۶). نتایج مطالعه ایمان‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) و صادقی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات، رضایت زناشویی به طور معناداری افزایش و در مقابل، تمایل به طلاق کاهش یافته است (۲۷، ۲۸). صادقی (۱۳۹۵) نشان داد که تحصیلات رابطه منفی با احتمال طلاق دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش سطح تحصیلات زنان، احتمال طلاق آنها کاهش می‌یابد (۸). همراستا با مطالعات ذکر شده، در مطالعه حاضر، با افزایش تعداد سال‌های تحصیل، خطر طلاق زنان کاهش یافت. در این مطالعه بیش از نیمی از زنان با تحصیلات دانشگاهی، شاغل (۵۴/۱ درصد) بودند؛ می‌توان نتیجه گرفت که چنانچه رشد تحصیلی زنان همراه با ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان باشد، امکان افزایش درآمد خانواده بوجود می‌آید که منجر به ارزش انتظاری بالاتر زندگی زناشویی شده و به استحکام خانواده و بقای ازدواج کمک می‌کند.

سن ازدواج، تابع عوامل متعددی، از جمله عوامل مذهبی، اجتماعی، سنتی، قومی و در سالیان اخیر، عوامل اقتصادی می‌باشد. یکی از مهمترین عوامل پیش‌بینی‌کننده تزلزل و عدم ثبات زناشویی، سن کم به هنگام ازدواج است. نتایج پژوهش ولدخانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد، زنانی که در سنین بالای ۲۴ سالگی، ازدواج کرده‌اند، به‌طور معنی‌داری، از زنانی که در سنین کمتر از ۲۴ سالگی ازدواج‌کرده‌اند، کیفیت زناشویی بالاتری داشتند. به نظر می‌رسد زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند از رشدشناختی، عاطفی و ارتباطی بیشتری برخوردارند و براساس معیارهای صحیح‌تری همسر خود را انتخاب می‌کنند. در نتیجه این زنان، کیفیت زناشویی بیشتری در مقایسه با زنانی که در نوجوانی ازدواج می‌کنند، دارند (۲۹). از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان می‌دهند که اگر ازدواج به تأخیر بیفتد، کیفیت زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد (۲۲، ۲۴). در مطالعه حاضر مخاطره طلاق زنان مطلقه دارای فرزند با افزایش سن ازدواج آنها و همسرانشان افزایش یافت؛ برخورد منطقی و دور از احساسات جوانی، فقدان انعطاف‌پذیری که لازمه سازش زوجین با یکدیگر می‌باشد و همچنین اجبار به انتخاب همسرانی که با زنان همسان نیستند، از مهمترین دلایل کاهش بقای ازدواج در سنین بالاتر برای زنان می‌باشد.

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که یکی از عوامل دوام زندگی زناشویی ارتباط مناسب میان زوجین و خانواده همسر می‌باشد. مطالعاتی که به منظور بررسی عوامل مؤثر بر طلاق انجام شده، دخالت خانواده همسر، اقوام و خویشان را عامل بسیار مهمی در فروپاشی کانون خانواده ذکر کرده‌اند (۷، ۱۳). تعاملات منفی زوجین با خانواده همسر از عواملی است که می تواند نقش بسزایی در اختلافات زناشویی و حتی فروپاشی زندگی زوجین داشته باشد. از آنجا که بنابر ویژگی‌های فرهنگی، قومی و اسلامی جامعه ایرانی، زوجین جوان پس از ازدواج سعی می‌کنند رابطه خود را با خانواده‌هایشان حفظ کنند و با توجه به اینکه خانواده همسر، نفوذ فراوانی در زندگی زوجین دارد، ارتباط با خانواده همسر اهمیت فوق العاده‌ای در تحکیم پیوند زناشویی پیدا می‌کند و سایر جنبه‌های زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مطالعه حاضر، ویژگی‌های خانواده همسر شامل متغیرهای تعداد سال‌های تحصیل والدین، تعداد خواهر و برادر و وضعیت حیات آنان به عنوان متغیرهایی که تا حدی می‌توانند بیانگر فرهنگ و رفتار خانواده همسر باشند، در مدل مورد بررسی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/23.3.533]

قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد با افزایش تحصیلات پدر و همچنین در قید حیات بودن او خطر طلاق زنان افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با افزایش تعداد خواهر و برادر، مخاطره طلاق زنان کاهش یافت. همراستا با این مطالعه، ایمان‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود، خانواده پرجمعیت پدری (تعداد خواهر و برادر بیشتر از ۴ برای یکی از زوجین) را از مهمترین دلایل رضایت و سازش زوجین دانستند؛ این یافته را می‌توان هم با اثر منفی تأثیر تجربه ناخوشایند بازگشت به خانواده اصلی پر جمعیت و عدم تمایل به آن و هم با اثرات مثبت داشتن خانواده اصلی و پرجمعیت مانند امکان ایجاد فرصت بیشتر برای برقراری یک ارتباط خوب، همدلی، گفتگو، یادگیری مهارت‌های مؤثر در استحکام ازدواج (آموزش و تقویت مهارت‌های برقرار ارتباط با همسر) و آموزش مسئولیت‌پذیری تبیین نمود (۲۷).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که در فرآیند پویای رشد فرزندان، تأثیر آنان بر ثبات ازدواج تغییر می‌کند.زو[11] و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کردند که تأثیر فرزندان براساس جنسیت و سن آنان در ثبات زندگی متفاوت است (۳۰). لینگستاد و ژالووارا[12] (۲۰۱۰) دریافتند که کودکان در سنین قبل از دبستان اثر ثبات‌بخش بر زندگی والدین خود دارند؛ اما این اثر برای فرزندان بزرگ‌تر ضعیف‌تر است (۳۱). در مطالعه حاضر، با افزایش سن فرزند اول زنان، مخاطره طلاق آنان افزایش یافت. با افزایش سن فرزندان، امنیت اقتصادی آنها برای شروع یک زندگی مستقل، توسط فرزندان تأمین و مانع نگرانی آنها نسبت به آینده می‌گردد. از سوی دیگر، حساسیت زنان نسبت به برداشت‌های سایر افراد جامعه کاهش می‌یابد و با توجه به افزایش اختلافات حل نشده دوران ابتدایی زندگی مشترک، دوام زندگی آنها کاهش می‌یابد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافعی میان نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

حمایت مالی

این مقاله برگرفته از طرح «جنگل‌های تصادفی بقای ازدواج اول زنان مطلقه بدون فرزند و دارای فرزند» به شماره ۲۱/۱۱۰۶۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۲ می‌باشد که با حمایت مالی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در سال ۱۴۰۱ انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

در این مقاله از داده‌های پیمایش طلاق سازمان ثبت احوال که به صورت ملی اجرا شد، استفاده گردید؛ از آنجا که مداخله‌ای در این طرح وجود نداشت، پرسشنامه‌ها با رضایت پاسخگویان تکمیل شد.

مشارکت نویسندگان

هر دو نویسنده به صورت یکسان در کلیه مراحل نگارش مقاله نقش داشتند.

[11] Xu
[12] Lyngstad T.H, Jalovaara

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

References

1. Fathi Ashtiani A, Amiri S, Fathi Ashtiani M, sedghi Jalal A, Nicknam M H, noorbala A A, et al. Effective Factors on Divorce in the Past 10 Years in Iran. Iran J Cult Health Promot. 2023; 7 (2):289-302. [In Persian]
2. https://amar.sabteahval.ir/#/contentView/nHead
3. Abbasi M.B, Omidvar Shalmani S, Safakish M. Population year book 2022. National Organization for Civil Registration, Tehran, Iran. [In Persian]
4. Kargar H, Sajedi A, Omidvar S. A longitudinal study of Childbearing pattern in the couple married in in 2013. Population Journal. 2023; (119, 120): 1-22. [In Persian]
5. Hajian moghadam F. A Meta-Analysis in Family Studies: Strengthening and Distorting Factors in Iranians' Families. Women Studies. 2014; 5(9): 1-39. https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.83378 .[In Persian]
6. Nabavi S. A, Rezadust K, Mojtahedzade S, Shahriari M. A Sociological Analysis of Tendency towards Divorce. Socio-Cultural Strategy. 2016; 5(3): 281-295. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517081.1395.5.3.11.0 [In Persian]
7. Zarean M. Meta-analysis of the factors affecting divorce: A review of studies registered in the last decade. QJCR. 2017; 16 (61):135-149. [In Persian]
8. Sadeghi R. Socioeconomic Factors Affecting Youth Divorce in Iran. Strategic Studies on Sports and Youth. 2016;15(32):1-22. [In Persian]
9. Taheri bonchenari R, Aghajani Mersa H, Kaldi A. An exploration of Divorce and its Origins and Consequences in Tehran, 2016. Journal of Social Problems of Iran. 2018; 9(2): 139-164. [In Persian]
10. Abbaszadeh M, Saeidi Ataei H, Afshari Z. A Study of Some Modernity's Factors Effective on Women's Tendency toward Divorce (Research Subjects: Married Women in Zanjan). Strategic Research on Social Problems. 2015; 4(1): 25-44. [In Persian]
11. Alimondegari M, RazeghiNasrabad H.B.B. Economic Factors Affecting Couples' Decision for Divorce: The Case of Tehran City. Women Studies. 2017; 7(17): 117-145. [In Persian]
12. Samadi Fard H R, Narimani M, Mikaeili N, Sheykholeslami A. The Role of Cognitive Avoidance Components and Metacognitive Belief in the Prediction of Spouses Emotional Divorce. QJCR. 2016; 15 (59):38-57. [In Persian]
13. Eskandari Nejad KH, Fathi Ashtiani A. Studying Factors Effect on Divorce in Recent Decade. Islamic Studies of Women and Family. 2021; 8(14): 53-86. [In Persian]
14. Bagheri A, Saadati M. Random Survival Forest of Childless and with Children Women's First Marriage Survival. National Institute for Population Research 2022. Tehran, Iran.
15. Bagheri A, Saadati M. The Application of Survival Forests in the Study of the Most Important Determinants of the First Marriage Survival of Divorced Women with Children. Payesh. 2024; 23 (5):759-769. [In Persian]
16. Kleinbaum DG, Klein M. Survival analysis a self-learning text. Springer;1996.
17. Afghah S. M, Ahangari A, Askari por H. Estimating Human Development Index of Iranian Provinces and Investigating its Impact on Economic Growth Using Fuzzy Logic. Quarterly Journal of Quantitative Economics. 2020; 17(2): 89-121. doi: 10.22055/jqe.2019.29152.2064. [In Persian]
18. Deihoul M, Ahmadi S, Mirfardi A. The relationship between development and divorce in Iran. Social Work Research. 2016; 9:180-217. [In Persian]
19. González L, Viitanen TK. The Effect of Divorce Laws on Divorce Rates in Europe. European Economic Review. 2009; 53(2):127-38.
20. Wang Q, Zhou Q. China's Divorce and Remarriage Rates: Trends and Regional Disparities. Journal of Divorce & Remarriage. 2010; 51:257-267.
21. Deldar F, Fallahi MA. Investigating the Factors Affecting Divorce in Iran's Provinces with an Emphasis on Economic Factors. Journal of Women and Family's Cultural and Educational. 2016;10(34):135-154. [In Persian]
22. Ghiasi P, Moein L, Rousta L. Investigating the Social Causes of the Tendency Toward Divorce Among Women Referring to the Family Court of Shiraz. Journal of Women's Sociology. 2010; 1 (3):77-103. [In Persian]
23. Fokkema T, Liefbroer AC. Employment and Divorce among Dutch Women Born Between 1903 and 1937. The history of the family. 2004;9(4):425-42.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]

24. Hewitt B. Marriage Breakdown in Australia: Social Correlates, Gender and Initiator Status. Social Policy Research Paper. 2008;No. 35.
25. Askari-Nodoushan A, Shams Ghahfarokhi M, Shams Ghahfarrokhi F. An Analysis of the Socioeconomic Characteristics of Divorce in Iran. Strategic Research on Social Problems. 2019; 8(2): 1-16. [In Persian]
26. Dargahi H, Ghasemi M, Beiranvand A. The Impacts of Economic and Social Factors on Divorce Rate in Iran with Emphasis on Business Cycles, Women's Education and Employment. Journal of Economics and Modelling. 2019; 9(4): 95-120. [In Persian]
27. Imanzadeh V, Moheb N, Abdi R, Honarmand Azimi M. Identification of Factors Affecting Divorce and Presenting a Model for Predicting Divorce Using Decision Tree Algorithm. Applied Psychological Research Quarterly. 2021;12(2):247-63. [In Persian]
28. Sadeghi R, Zanjari N, Mahmoudiani S. The impact of marriage patterns on marital satisfaction and the tendency toward divorce in Tehran. Journal of Women and Family's Cultural and Social Council. 2018; 21(81):7-45. [In Persian]
29. Valadkhani M, Mahmoudpour A, Farahbakhsh K, Bajestani H S. The Effects of Partner-Selection Patterns, Marriage Age, and Age Differences between Spouses on Marital Quality of Married Women in Tehran. Clinical Psychology Studies. 2017; 7(25): 173-190. [In Persian]
30. Xu Q, Yu J, Qiu Z. The impact of children on divorce risk. The Journal of Chinese Sociology. 2015; 2: 1-20.
31. Lyngstad T.H, Jalovaara M. A. Review of the Antecedents of Union Dissolution. Demographic Research. 2010; 23: 255-292 .

© 2025 The Author(s). Published by Isfahan University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-15]

[DOI: 10.48305/.23.3.533]